

یاد

شاعر مبارز

درباره **طاهره صفارزاده** به مناسبت سال گرد درگذشتش



صفارزاده، شاعر، پژوهش‌گر و قرآن‌پژوه فراتر از آثار و افتخارات ملی و بین‌المللی، شخصیتی خاص و متفاوت بود. او طی ۷۲ سال زندگی پربینلا، هرگز تسلیم رنج و مصائب روزگار نشد و امتحانات سخت زمانه، او را از پا درنیآورد. شاید در زمان حیات طاهره صفارزاده، شاگردان و علاقه‌مندانش تصور نمی‌کردند، زنی این‌چنین فعال و سخت‌کوش در آموختن علم و سرشار از احساس شاعرانگی و دانایی به جهان هستی، قلبی مالا مال از اندوه و قصه‌ای پرغصه دارد؛ قصه‌ای که آغازش، فقدان عزیزان و تهایی بود و پایانش نیز! او ۴ آبان ۱۳۸۷ بعد از ۷۲ سال زندگی درگذشت.

قصه پر غصه طاهره

طاهره صفارزاده ۲۷ آبان ۱۳۱۵ در سیرجان به دنیا آمد و در کودکی پدر و مادرش را با فاصله زمانی اندکی از دست داد. طاهره نخستین شعرش را در ۱۳ سالگی سرود و نخستین جایزه شعر را نیز در سال چهارم دبیرستان به پیشنهاد محمدابراهیم باستانی‌پاریزی که دبیر دبیرستان بهمنیار بود از رئیس آموزش و پرورش استان گرفت. در جوانی با یک پزشک ازدواج کرد. مدتی بعد آن‌ها صاحب پسری شدند اما کسی بعد از ازدواج به دلیل اعتیاد همسرش از او جدا شد و پسرش علیرضا را به تهایی بزرگ کرد. چند سال بعد صفارزاده که در استخدام شرکت نفت بود، برای گذراندن دوره سه‌ماهه روزنامه‌نگاری بورسیه شد و به انگلستان رفت. او پس ۵ ساله‌اش را به خواهرش سپرده بود اما در همان دوره علیرضا به دلیل اشتباه پزشکی با تزریق آمپول از دنیا رفت. لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی را در ایران گرفت و برای ادامه تحصیل به انگلستان سپس به آمریکا رفت. در دانشگاه آیوا، هم در گروه نویسندگان بین‌المللی پذیرفته شد و هم درجه MFA را دریافت کرد. در بازگشت به ایران، به‌رغم مشکلاتی که به علت فعالیت‌های سیاسی‌اش در آمریکا برای استخدامش به‌وجود آمده بود، از آن‌جایی که در کارنامه‌اش از ۴۸ واحد درسی ۱۸ واحد ترجمه بود و نیز به دلیل نبود استاد ترجمه برای رشه زبان خارجی، به تدریس نقد عملی ترجمه پرداخت. تعیین کتاب «اصول و مبانی ترجمه» او به‌عنوان کتاب درسی، سرآغاز روال و نظم تدریس نقد ترجمه در رشته زبان و ادبیات خارجی در دانشگاه‌های کشور بود. خودش می‌گفت: «شعر مقاومت و طنز سیاسی هیچ‌وقت حکومت‌پسند نبوده است»؛ در سال ۵۵ به اتهام نوشتن شعر «مقاومت دینی» از دانشگاه اخراج شد. در شروع نهضت اسلامی، به کمک نویسندگان متعدد مسلمان، به تأسیس مرکزی به‌نام «کانون فرهنگی نهضت اسلامی» اقدام کرد.

شعر در خدمت مبارزه

طاهره صفارزاده درباره نگاهش به شعر گفته بود: «به شعر به عنوان یک وسیله مبارزه توجه داشتم و از آن استفاده می‌کردم، البته نه به عنوان وسیله شهرت؛ بلکه در خدمت اهداف والای الهی. تلاش‌های مذبوحانه رژیم برای ایجاد جنگ روانی پایان‌ناپذیر بود. شعرهای نوجوانی و احساساتی و بی‌آزارم خیلی مورد محبت و تشویق رسانه‌های ارتباط جمعی بود. اما در شعرهای جدیدم، که در آن مسائل و وقایع زندگی امروز بی‌توسل و بدون پناهجویی از استعارات مبهم

با زبان و فرمی غیرسنتی بیان می‌شد، داوران با دیدگاه‌های خود به دفاع می‌پرداختند. دسته‌ای معتقدند، شعر ظرف حرف‌های ظریف و کلی و شاعرانه است با زبانی فاخر و بیانی ادبی و ابهام‌آمیز. دسته دیگر هم اشارات را برخورنده و افشاگر تشخیص می‌دهند و بیم آن دارند که این‌جور حرف زدن‌ها و شعر گفتن‌ها باب شود. اما من متوجه زندگی شده بودم و حس می‌کردم که آن نوع زبان با استعارات مبهم گنجایش راحت حرف زدن و آوردن تجربه و فرهنگ زندگی امروز را ندارد و گاه که دلی به دریا می‌زدم و یکی دو خط واژه‌ها یا جمله‌های محاوره‌ای هم در کنار کلی‌بافی‌ها می‌آوردم، زود متوجه عدم یک‌دستی شعر می‌شدم و ادامه نمی‌دادم. این کشمکش درونی مرا شدیداً به فکر راهجویی انداخته بود. دلزدگی و کار مداوم، نوشتن، تردید کردن و دور ریختن. از شعر خودم، از محیط و فضای شعر امروز، از همه و همه چیز دلزده شده بودم تا این‌که بالاخره متوجه ساختار در شعرم شدم و کوشش این بود که با حفظ تسلسل حرکت درونی، شعر سپید را ازثرگونگی دور کنم و به انرژی و حرکت در شعر توجه ویژه کردم.»

در ستاد انقلاب فرهنگی

صفارزاده پس از پیروزی انقلاب به‌عنوان رئیس دانشگاه شهید بهشتی و نیز رئیس دانشکده ادبیات این دانشگاه انتخاب شد. او درباره این دوره از زندگی خود گفته بود: «چون ضمن مقالاتی به نحوه آموزش زبان‌های خارجی در ایران انتقادهای خود را مطرح کردم از طرف ستاد انقلاب فرهنگی برای مسؤولیت برنامه‌ریزی زبان‌های خارجی از من دعوت شد که با همکاری استادان باتجربه، تغییراتی در برنامه آموزشی پدید آوریم. طبق این برنامه، برای اولین بار در رشته‌های علمی دانشگاه‌ها، کتاب به زبان‌های انگلیسی، روسی، فرانسه و آلمانی تألیف شد. من ۱۶ سال سرپرست اجرایی طرح بودم.»

صفارزاده در سال ۶۱ با خواستگار ثروتمندش، دکتر وصال ازدواج کرد، مدتی در باغ ۱۰ هزار متری او در شیراز ساکن شد و بعد دوباره به تهران بازگشت. به گفته برادرش (جلال صفارزاده) این ازدواج بر سبک زندگی طاهره تأثیری نداشت و بعد از ازدواج نیز هم‌چنان ساده‌زیست باقی ماند. طاهره صفارزاده در سال ۱۳۶۷ در فستیوال بین‌المللی شعر «داکا» به‌عنوان یکی از پنج عضو بنیانگذار کمیته ترجمه آسیا و در سال ۲۰۰۵ میلادی به‌عنوان برترین زن مسلمان از سوی انجمن نویسندگان آفریقایی و آسیایی در مصر برگزیده شد. در زمان همکاری صفارزاده با فرهنگستان زبان و ادب فارسی، طرح تهیه فرهنگ‌های تخصصی‌اش که با ضوابط علمی و پیشنهادات جدید تدوین شده به تصویب شورای فرهنگستان رسید.

از طاهره صفارزاده، شاعر، نویسنده، محقق و مترجم قرآن به زبان انگلیسی، کتاب‌های متعددی در زمینه‌های ادبیات، علوم، علوم قرآنی و ویراستاری منتشر شده است. مجموعه‌های شعر «رهگذر مهتاب»، «طنین در دلنا»، «اسد و بازوان»، «سفر پنجم»، «حرکت و دیروز»، «بیعت با بیداری»، «مردان منحنی»، «دیدار صبح»، «در پیشواز صلح»، «هفت سفر»، «روشنگران راه» و «جلوه‌های جهانی» نیز از آثار این شاعر هستند.

آئینه انگلستان ویکتوریایی

دربارهٔ رمان **رومولا** نوشته جورج الیوت با ترجمه رضا رضایی



طه حسین فراهانی

روزنامه‌نگار

مری آن ایوانز (۲۲ نوامبر ۱۸۱۹ – ۲۲ دسامبر ۱۸۸۰) که نام مستعار مردانه جورج الیوت را برای خود انتخاب کرد، یکی از بزرگ‌ترین رمان‌نویسان قرن نوزدهم انگلستان است و آثاری پدید آورد که در تاریخ رمان‌نویسی جایگاهی ماندگار یافته‌اند. بعد از جین آستین، هیچ نویسنده‌ای به اندازه الیوت در آثارش صریحاً به بیان مشکلات اجتماعی و انتقادهای سیاسی نپرداخته است. او ۷ رمان و ۱۱ کتاب شعر از خود به جا گذاشته است. رضا رضایی که سال‌هاست به ترجمه آثار ادبی به‌خصوص ادبیات کلاسیک مشغول است و آثار مهمی از شارلوت برونته، امیلی برونته، جین آستین و جورج الیوت ترجمه کرده، به تازگی نشر نی ترجمه او از رمان «رومولا» را منتشر کرده است. این ترجمه با عنوان فرعی «حکایت یأس و امید»، بار دیگر نشان می‌دهد که چرا «رومولا» از برجسته‌ترین و تأمل‌برانگیزترین آثار قرن نوزدهم به‌شمار می‌رود؛ اثری که همچنان در میان دوستداران ادبیات جدی به‌عنوان نمادی از عمق اندیشه و والایی انسان‌گرایی جورج الیوت خوانده می‌شود.

جایگاه ویژه رومولا

جورج الیوت، رمان‌نویس، شاعر، مترجم و روزنامه‌نگاری بود که آثارش همواره میان خرد و ایمان، علم و اخلاق و سنت و تجدد در نوسان هستند. او هفت رمان مهم نوشت: آدم بید (۱۸۵۹)، آسیاب کنار رود فلاس (۱۸۶۰)، سیایلاس مارنر (۱۸۶۱)، رومولا (۱۸۶۲-۱۸۶۳)، فلیکس هولت، رادیکال (۱۸۶۶)، میدل‌مارچ (۱۸۷۱-۱۸۷۲) و دنیل دروندا (۱۸۷۶). همچون چارلز دیکنز و تامس هاردی، او از نواحی روستایی انگلستان برخاست و بیشتر آثارش در همان فضاها می‌گذرد. آثار او به‌سبب واقع‌گرایی، ژرف‌نگری روان‌شناختی، حس مکان و تصویرپردازی دقیق از زندگی روستایی ستوده شده‌اند. «میدل‌مارچ»، شاهکار او به گفته ویرجینیا وولف «از معدود رمان‌های انگلیسی است که برای انسان‌های بالغ نوشته شده است» و نویسندگانی چون جولین بارنز، آن را «بزرگ‌ترین رمان زبان انگلیسی» دانسته‌اند. اما در میان این آثار، رمان «رومولا» جایگاهی ویژه دارد؛ اثری تاریخی، فلسفی

سینمای ایران

قاچاق پیرپسر

تهیه‌کننده به کانال‌های منتشرکننده **هشدار داد**

از صبح یک‌شنبه چهارم آبان ماه، نسخه اصلی فیلم سینمایی «پیر پسر» ساخته اکتای براهنی در فضای مجازی دست به دست شد تا این فیلم جدیدترین اثر سینمایی لو رفته سینمای ایران لقب بگیرد. نکته جالب توجه اینجاست که نسخه لو رفته که در کیفیت‌های مختلف است، واتر‌مارک و زیرنویس انگلیسی دارد و خیلی زود نیز در حال پخش شدن در شبکه‌های اجتماعی به ویژه کانال‌های تلگرامی است. انگار انتشار نسخه قاچاق فیلم‌های پرفروش تبدیل به عادت مألوف و رویه‌ای معمول در سینمای ایرانی شده است. فیلم «فسیل» هم در اواخر اکرانش قاچاق شد و نسخه کامل آن به طور غیرقانونی در دسترس کاربران صفحات مجازی قرار گرفت. مدیران وقت سینما در آن دوران، انتشار کیی قاچاق فیلم را به سرورهای فرسوده و نامعتبر چند سینما حواله دادند و این خطا را به گردن سینماداران انداختند. اما درباره «پیرپسر» اوضاع به کلی تفاوت دارد. چراکه نسخه‌ای که لو رفته، واتر‌مارک دارد و به خوبی می‌تواند روشن کند که چه نسخه‌ای از چه مسیری منتشر شده است. اکران عمومی این فیلم به پایان رسیده بود اما تهیه‌کننده و کارگردانش در حال برنامه‌ریزی برای انتشار آنلاین مینی‌سریال آن از شبکه خانگی بودند و حالا با لو رفتن نسخه قاچاق این اکران تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و به این ترتیب آنها یا باید در این روزها به سرعت شرایط اکران آنلاین آن را فراهم کنند یا اینکه ترتیبی دهند که دسترسی به نسخه قاچاق فیلم از بین برود.

هفته پیش که خبر انتشار این سریال منتشر شد، حاکی از این بود که بعد از پایان اکران فیلم در سینماها، یک نسخه سریالی از آن در قالب ۶ قسمت به زودی در یکی از پلتفرم‌های نمایش خانگی پخش

و اخلاقی که از نظر فضا و مضمون با دیگر آثار او تفاوتی بنیادین دارد. این رمان نخستین اثری است که الیوت در قالب پاورقی و با همکاری ناشر جدید، اسمیت، الدر و شرکا منتشر کرد. گفته می‌شود ناشر مبلغ هنگفتی، حدود ۷۰۰۰ پوند، برای آن پرداخت، اما از نظر تجاری چندان راضی نبود. با این حال، منتقدان بزرگی چون ریچارد هانتن در همان زمان اذعان کردند که هرچند «رومولا» محبوب‌ترین اثر الیوت نخواهد بود، «یکی از بزرگ‌ترین آثار داستانی روزگار ماست ... و احتمالاً بزرگ‌ترین اثر نویسنده است.» الیوت خود درباره دشواری نگارش «رومولا» گفته است که می‌تواند «به هر جمله‌اش سوگند یاد کند که با تمام خون دل و با نهایت دقت در راست‌گویی‌ای که در توانم بوده، نوشته شده است.» او ۱۸ ماه صرف مطالعه، تحقیق و سفرهای مکرر به فلورانس کرد تا از نزدیک با فضا، تاریخ و روح رنسانس آشنا شود. حاصل این تلاش اثری است سرشار از جزئیات تاریخی، هنری و دینی که گاه موجب شگفتی و تحسین و گاه مایه انتقاد برخی از منتقدان شد. آنتونی ترولوپ، رمان‌نویس معاصر او، پس از خواندن نخستین بخش اثر، از رنج و دقت الیوت شگفت‌زده شد اما هشدار داد، مبادا «بیش از اندازه از سر خوانندگان شلیک کند»، یعنی اثر را فراتر از درک عمومی بنویسد.

رنسانس در فلورانس

منتقدان بسیاری میان فلورانس قرن پانزدهم و انگلستان قرن نوزدهم مشابهت‌هایی یافته‌اند. به تعبیر یکی از پژوهشگران، «فلورانس فلسفیاً سردرگم، اخلاقاً نامطمئن و فرهنگی از ریشه بریده، نمونه‌ای از آشفتگی قرن نوزدهم انگلستان است.» الیوت، که خود شاهد بحران‌های فکری و مذهبی دوران ویکتوریا بود، این شهر را صحنه‌ای مناسب برای بازتاب کشاکش‌های فکری عصر خویش یافت. همان‌گونه که در عصر رنسانس، انسان میان ایمان سنتی و خرد نوین در تردید بود، در زمان الیوت نیز جامعه انگلیسی میان علم داروین، نقد کتاب مقدس و بحران ایمان دست‌وپا می‌زد. از این رو «رومولا» در ظاهر روایتی تاریخی از فلورانس رنسانس است اما در باطن گفت‌وگویی است میان گذشته و حال؛ میان رهایی فکری و مسئولیت اخلاقی. داستان در فاصله سال‌های ۱۴۹۲ تا ۱۴۹۸ یعنی از مرگ لورنتسو دِ مدیچی تا قدرت‌گیری ساوونارولا می‌گذرد. الیوت در این ۶ سال پرآشوب، با ظرافتی کم‌نظیر، دگرگونی سیاسی و معنوی فلورانس را با تحولات درونی شخصیت‌های خود درهم می‌آمیزد. حضور

خواهد شد. این نسخه ۲۶۰ دقیقه‌ای خواهد بود؛ یعنی حدود ۶۰ دقیقه بیشتر از نسخه سینمایی‌اش. نسخه سینمایی «پیرپسر» ۱۸۰ دقیقه بود که می‌توان آن را طولانی‌ترین فیلم سینمای ایران دانست. با توجه به استقبالی که از نسخه سینمایی این فیلم صورت گرفت، مینی‌سریال آن هم به طورحتم در شبکه نمایش خانگی مورد استقبال قرار می‌گرفت.





راپونزل زنده می‌شود

والث دیزنی نسخه سینمایی گیسوکنند را با اسکارلت جوهانسون می‌سازد

داستانی است راجع به یک شاهزاده دختر که توسط جادوگری پیر و شرور در دوران کودکی ربوده می‌شود و در یک ساختمان بلندمرتبه توسط او نگهداری می‌شود. در حقیقت این ربایش، چاره حیات و ادامه زندگانی جادوگر شرور است. در آن سرزمین گلی وجود دارد که قدرتی جادویی از نور خورشید دریافت می‌کند و خاصیت شفابخش دارد. جادوگر برای ادامه حیات خویش و ماندن در سنین جوانی نیاز دارد تا از این گل نیرو بگیرد و از نور آن بهره‌مند شود. در همین حال، پادشاه این سرزمین و همسرش صاحب یک دختر می‌شوند که دچار بیماری شده است، برای درمان آن بیماری آنها به دنبال همان گل جادویی می‌گردند و سرانجام با به دست آوردن تنها ساقه باقی مانده گل دخترشان نجات می‌یابد. حالا جادوگر تنها راه چاره خویش را از دست داده است و برای بقای خویش و جوان ماندن مخفیانه به قصر می‌آید تا تکه‌ای از موی دختر شاه را بچیند و با خود ببرد زیرا موی او خاصیت جادویی نورافشانی و شفابخشی گل را در خود جذب کرده و نگاه داشته است اما تلاش او فایده‌ای ندارد زیرا با چیدن موهای دختر پادشاه این خاصیت از بین می‌رود. جادوگر نیز دختر را که کودکی بیش نیست، می‌رباید تا بتواند جوانی‌اش را حفظ کند.

ساخت این انیمیشن در زمان خویش یک قمار بزرگ توسط دیزنی به شمار می‌رفت. شاید باور این موضوع برای مخاطبان سخت باشد اما بودجه ساخت این انیمیشن ۲۶۰ میلیون دلار اعلام شده است در حالی که انیمیشن‌های امروزی با ارقامی حدود ۱۰۰ الی ۱۵۰ میلیون دلار ساخته می‌شوند. «گیسوکنند» در گیشه فروش توانست به رقم ۵۹۱ میلیون دلار دست یابد که می‌توان موفقیت نسبی را برای این فیلم در نظر گرفت. هزینه تولید کلان ۲۶۰ میلیون دلاری این انیمیشن از جمله مواردی بود که مورد توجه تحلیل‌گران اقتصادی سینما قرار گرفته بود. به همین دلیل اهل فن، پرسش‌هایی درباره رقم هزینه‌های تولید نسخه زنده مطرح کرده‌اند.

در نسخه انیمیشن بار دیزنی اقدام به شبیه‌سازی مو و لباس در یک اثر سینمایی با تکنیک سه بعدی کرد، حاصل کار هم درخشان بود. تا پیش از «گیسوکنند» هیچ اثر سینمایی نبود که تا این اندازه موفق به شبیه‌سازی مو و لباس کاراکترها در ابعاد زیاد پرداخته باشد. متحرک‌سازی روان و نرم و در عین حال پراحساس این انیمیشن، نقطه قوت و قدرت این اثر شده است. حرکت کاراکترها به خصوص ادای جملات و اجرای آنها بسیار هنرمندانه و لطیف از آب درآمده است.

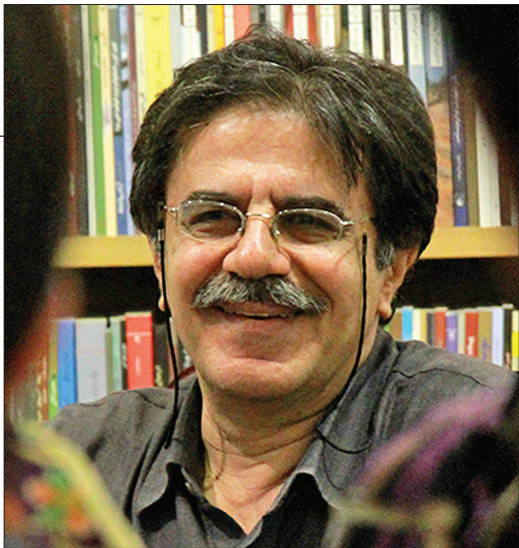
این در حالی است که مدیران والت دیزنی گفته‌اند، «گیسوکنند» زنده را به هزینه‌ای معقول تهیه خواهند کرد. کمپانی والت دیزنی امیدوار است که گیسوکنند زنده به کارگردانی مایکل گریسی بتواند موفقیت مالی بالایی یک میلیارد دلاری جهانی لیلو و استیج زنده را تکرار کند.

کمپانی والت دیزنی خشنود از موفقیت کلان مالی و انتقادی «لیلو و استیج» خبر از تولید نسخه زنده «گیسوکنند» خود می‌دهد. فیلم به بازسازی زنده ماجراجویی‌هایی اکشن و فانتزی نسخه انیمیشنی سال ۲۰۱۰ کمپانی خواهد پرداخت. اعلام خبر ساخت گیسوکنند زنده بعد از آن است که مدیران والت دیزنی سال گذشته گفته بودند، تولید آن متوقف شده است. کمپانی والت دیزنی که از سه سال قبل به دنبال تولید نسخه زنده گیسوکنند بود، بعد از شکست سخت مالی نسخه زنده «سفیدبرفی» در سال گذشته، ساخت گیسوکنند را لغو کرد. اما حالا با توجه به فروش کلان نسخه زنده لیلو و استیج، کمپانی در تصمیم قبلی خود تجدید نظر کرده و ساخت گیسوکنند را در دستور کار خود قرار داده است. البته از کمپانی شنیده می‌شود که فیلمنامه قبلی گیسوکنند با تغییرات مهمی روبه‌رو خواهد شد و فیلمنامه‌نویس آن جنیفر کایتین رایبنسن هم اکنون در حال نگارش مجدد آن است. تا اینجا حضور اسکارلت جوهانسون در نقش کاراکتر مادر گوتل قطعی شده و کار انتخاب بقیه بازیگران نسخه زنده ادامه دارد.

با توجه به اینکه انیمیشن «گیسوکنند» آغازگر دهه جدید برای دیزنی بود، انتظارات زیادی از آن وجود داشت. فیلم قبلی دیزنی یعنی «شاهدخت و قورباغه» هم در گیشه نسبتاً خوب عمل کرده بود و در سطح جهانی توانست ۲۶۷ میلیون دلار در مقابل بودجه ۱۰۵ میلیون دلاری بفروشد. بعد از آن مدیران دیزنی به دنبال رویکردی گسترده‌تر بودند که کمتر به جنسیت خاصی وابسته باشد. در مقاله‌ای از سال ۲۰۱۰ در روزنامه لس‌آنجلس تایمز منتشر شد، اد کتمول رئیس سابق استودیوی انیمیشن‌سازی والت دیزنی و یکی از بنیان‌گذاران پیکسار گفت: «ما نمی‌خواستیم خودمان را به یک چارچوب خاص محدود کنیم. برخی ممکن است فرض کنند که «راپونزل» یک افسانه دخترانه است. در حالی که اصلاً اینطور نیست. ما فیلم می‌سازیم تا توسط همه مورد تقدیر و توجه قرار بگیرد».

جالب است بدانید شبیه‌سازی مو در این پروژه حاصل تلاش دانشجوی ایرانی بوده است که مشغول تحصیل در رشته کامپیوتر بوده و موضوع پایان‌نامه خویش را شبیه‌سازی مو در رایانه با انیمیشن‌های رایانه‌ای انتخاب کرده بود. استودیو والت دیزنی نیز با آغوش باز از این دانشجوی خلاق و باهوش استقبال کرد و دانش فنی و نبوغ او باعث شد تا دیزنی بتواند در ابعاد سینمایی یک سیستم شبیه‌سازی مو را ایجاد کرده و از آن بهره‌برداری نماید. بدون شک جلوه‌های شبیه‌سازی شده مو در این اثر سبب جذب مخاطبان زیادی شد، نکته‌ای که در واقع حاصل همکاری علم و تجارت و هنر است.

نسخه زنده هم مثل نسخه کارتون، داستان معروف و کلاسیک برادران گریم درباره شاهزاده خانم راپونزل گیسوکنند را تعریف و بازخوانی می‌کند. «گیسوکنند»



رومولا

حکایت یاس و امید

جورج الیوت

ترجمه رضا رضایی

نشرنی

۸۶۲ صفحه

۱۲۰۰۰۰ تومان

ایمان پرشور مسیحی در عصری است که از جهاتی بسیار به زمان ما شباهت دارد. در «رومولا»، ایمان نه امری ایستا و موروثی بلکه فرآیندی درونی و پویاست. شخصیت اصلی، همچون خود الیوت، از ایمان سنتی به سوی درکی انسانی‌تر از دین حرکت می‌کند. این مسیر نوعی سفر روحی است که در آن، انسان می‌آموزد حقیقت را نه در نهادهای بیرونی بلکه در همدلی و وجدان خویش بجوید. الیوت، که خود تجربه‌ای عمیق از بحران ایمان داشت، در این رمان کوشید تا میان شک و یقین آشتی برقرار کند. او از یک‌سو به عقلانیت عصر جدید باور داشت و از سوی دیگر از فروکاستن انسان به ماشین علم‌گرایی هراس داشت. از نظر او، انسان بدون ایمان و اخلاق، تهی و بی‌ریشه است؛ اما ایمان نیز اگر از تعقل و آزادی تهی شود به تعصب بدل می‌شود. رومولا تجلی همین تعادل دشوار میان عقل و ایمان است. از دید بسیاری از منتقدان معاصر، رومولا اگرچه به اندازه «میدل‌مارج» خواننده عام ندارد اما اثری است که بیش از هر کتاب دیگر الیوت، روح و جوهر اندیشه او را در خود دارد. این رمان پلی است میان تاریخ و فلسفه، میان تخیل و پژوهش و میان زیبایی‌شناسی و اخلاق. ویلیام اسکیدلسکی، سردبیر بخش کتاب روزنامه آیزورر، آن را یکی از «ده رمان تاریخی برتر تمام دوران‌ها» دانسته است.



شخصیت‌های تاریخی همچون ماکیاولی در کنار شخصیت‌های خیالی مانند رومولا و تیتو به اثر بعدی مستند و در عین حال تخیلی می‌دهد که هم جذاب و هم اندیشه برانگیز است.

زن، آگاهی و اخلاق

قهرمان داستان، زنی جوان و اصیل به نام رومولا است که از خاندان دانش‌دوست توسکانی برخاسته. او در آغاز دختری است منزوی، خردمند و درگیر مطالعه اما در جریان حوادث سیاسی و مذهبی فلورانس، از خلوت کتابخانه به میدان اجتماع و وجدان گام می‌نهد. مسیر رشد او از جهل به آگاهی و از اطاعت به استقلال، همان مسیر معنوی است که الیوت خود در زندگی پیموده بود. بسیاری از منتقدان، از جمله فلیشیا بوناپارت، او را بازتابی از خود نویسنده دانسته‌اند؛ «چهره‌ای تمام‌عیار معاصر، روشنفکر ویکتوریایی‌ای که در برابر معضلات عصر جدید سرگشته است.» رومولا در جهانی مردسالار زندگی می‌کند که زن را به فرمانبرداری و سکوت وامی‌دارد؛ با این حال، او در میانه آشوب سیاسی و ایمانی، راهی انسانی‌تر می‌یابد؛ راهی میان عقل و احساس، میان ایمان و اخلاق. در روندی تدریجی، او درمی‌یابد که نیکی و حقیقت نه در نهاد کلیسا بلکه در وجدان آگاه انسان نهفته است. این درک، که حاصل تجربه و رنج است، او را از وابستگی به نظام‌های بیرونی رها می‌سازد و به انسانی خودآگاه و مسئول بدل می‌کند؛ از همین‌رو، رومولا را می‌توان یکی از نخستین آثار انگلیسی دانست که در آن زن نه در حاشیه بلکه در مرکز جهان اخلاقی و فکری قرار دارد. الیوت در قالب این شخصیت، پرسشی بنیادین را طرح می‌کند: مرز میان اطاعت و مقاومت برای زنان کجاست؟ آیا اخلاق به معنای پیروی از قانون است یا انتخابی آزاد و آگاهانه؟ این پرسش، اگرچه در بستر فلورانس رنسانس طرح می‌شود، درواقع بازتاب دغدغه‌های زنان و ویکتوریایی و حتی انسان مدرن است.

خرد و جست‌وجوی درونی

به گفته ریچارد هاتن در مجله اسپکتیتور (۱۸۶۳)، «بزرگ‌ترین هدف هنری داستان، ترسیم کشمکش میان فرهنگ آزاداندیش و

چراکه برخی از تماشاگران این فیلم بیش از یک بار به تماشای آن در سینماها نشستند و برخی دیگر که مدت‌ها بود به سینما نرفته بودند برای تماشای «پیرپسر» به سالن سینما پا گذاشتند. با اینکه این فیلم از تیزرهای تبلیغاتی در تلویزیون محروم بود اما پخش تیزرهای تبلیغاتی آن از شبکه‌های ماهواره‌ای کمک زیادی به اکران آن کرد. البته سوژه ملتهب، بازی خیره‌کننده حسن پورشیرازی و حضور بازیگرانی مانند لیلا حاتمی، حامد بهداد و ... خوش‌ساختی و کارگردانی درخشان و طراحی صحنه و فیلمبرداری از عواملی بود که «پیرپسر» را با سایر فیلم‌های روی پرده متمایز می‌کرد.

حنیف سروری، تهیه‌کننده «پیرپسر» در این خصوص به خبرنگار سایت رها گفت: «نسخه‌ای که از صبح امروز در کانال‌های تلگرام منتشر شده، واترمارک دارد و ما قطعاً از فرد یا افرادی که دست به انتشار این فایل زدند، شکایت می‌کنیم. این فیلم در دو سال اخیر برای جشنواره‌های مختلفی ارسال شده و نسخه نهایی کار است اما ما به



هرجایی که فیلم را فرستادیم، کد و واترمارک مخصوص گذاشتیم و مشخصاً معلوم است که این فایل دست چه کسی بوده و از کجا درز کرده. ما تا چند ساعت دیگر فرد را پیدا می‌کنیم و از طریق حقوقی از او شکایت می‌کنیم».

تهیه‌کننده «پیرپسر» اضافه کرد: «به کانال‌های تلگرامی که این فایل را منتشر می‌کنند، اخطار می‌دهیم در جریان باشند که کی‌رایت این اثر در آمریکا ثبت شده و خسارت سنگینی مالی و حقوقی باید پرداخت کنند. هر کانالی که این فیلم را بگذارد، چون فایل غیرقانونی است، ادمین کانال با مجازات کیفری روبه‌رو می‌شود چون ما پیگیر این ماجرا هستیم، پیدا کردن این افراد کاری ندارد و با پلیس فتا هم به دنبال پیدا کردن این افراد هستیم». سروری ادامه داد: «استودیو با توجه به کدی که روی فایل هست، می‌تواند مشخص کند که این نسخه در اختیار چه شخص یا اشخاصی بوده. کسی که این فایل را در اختیار کانال‌های تلگرامی گذاشته را به راحتی پیدا می‌کنیم. جدا از واترمارک روی تصویر در چند جای دیگر فیلم نیز کدگذاری کردیم و سریعاً مشخص می‌شود فایل از کجا منتشر شده». تهیه‌کننده «پیرپسر» در انتها گفت: «تاریخ اکران آنلاین فیلم فعلاً مشخص نیست و با توجه به اتفاقات رخ داده ممکن است تغییر کند. هنوز برای این مساله تصمیم‌گیری نشده است». با اینکه این تهیه‌کننده به کانال‌های تلگرامی هشدار داده و به دلیل اینکه فیلم کی‌رایت دارد احتمالاً برخی از کانال‌ها از انتشار غیرقانونی آن منصرف خواهند شد اما همچنان برخی از کانال‌ها، نسخه قاچاق آن را منتشر کردند و در دسترس است. هر چقدر مسدود شدن و برداشته شدن نسخه غیرقانونی فیلم دیرتر صورت گیرد، کنترل آن سخت‌تر می‌شود و در واقع نمی‌توان تمامی نسخه‌ها را جمع‌آوری کرد.

«پیرپسر» پرفروش‌ترین فیلم سینما در امسال بوده و هنوز هیچ فیلمی نتوانسته رکورد آن را بشکند. فروش این فیلم تا پایان اکران در تهران به بیش از ۱۸۱ میلیارد تومان رسیده بود و کمی بیش از ۲ میلیون تماشاگر داشت. البته به لحاظ مخاطب فیلم کمدی «مرد عینکی» به کارگردانی کریم امینی بیش از ۲ میلیون و ۲۱۰ تماشاگر داشت و هنوز هم اکران آن در سینماهای تهران ادامه دارد. فروش «مرد عینکی» تا به امروز به حدود ۱۷۲ میلیارد تومان رسیده است اما بعید به نظر می‌رسد بتواند رکورد «پیرپسر» را بزند.

